

بسم الله الرحمن الرحيم

بازیگران انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲

و راهبردهای آنها

چکیده

۱- انتخابات هم‌زمان دوازدهمین مرحله مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری که به اقتضای شرایط خاص امروز از منظرهای مختلفی حائز اهمیتی ویژه است، دارای بازیگران زیادی است که کیفیت و نتیجه انتخابات در ایران در یک نگاه اجمالی، برآیند کنش‌گری چهار بازیگر عمده است: نظام اسلامی، دشمنان، مردم (رای‌دهندگان) و جریان‌های سیاسی.

۲- به منظور داشتن برآوردی دقیق از وضعیت انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲، تلاش می‌شود تا راهبردهای هر کدام از این بازیگران در انتخابات پیش‌رو به طور اجمال تشریح شود. با این توضیح که درباره مردم (رای‌دهندگان) باید از کیفیت رأی‌دهی یا عوامل مؤثر بر سازمان رأی مردم سخن گفت تا راهبرد.

۳- از بازیگران مهم و موثر بر انتخابات، نظام مقدس جمهوری اسلامی است و منظور از راهبردهای انتخاباتی نظام، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی است که در انتخابات درصدد رعایت و تحقق آنهاست. این راهبردها بر اساس اعلام چندباره رهبر معظم انقلاب برای انتخابات اسفند امسال؛ مشارکت حداکثری، سلامت حقیقی، رقابت واقعی و امنیت کامل است.

۴- راهبردهای دشمن در انتخابات درست در نقطه مقابل هدف‌گذاری و راهبردهای نظام اسلامی در انتخابات است. جنگ شناختی دشمنان پیرامون انتخابات در ایران معطوف به عدم تحقق راهبردهای نظام است. اما مهمترین راهبردهای دشمنان در انتخابات؛ عدم برگزاری انتخابات با بی‌ثبات‌سازی کشور، تضعیف مؤلفه‌های قدرت نظام با برگزاری انتخابات با مشارکت حداقلی، مشروعیت‌زدایی از نظام در دو سطح داخلی و خارجی، حمایت از کاندیداهای متمایل به غرب و بی‌اعتبارسازی سازوکار انتخابات با حمله به نهادهای انقلابی است.

۵- وضعیت‌شناسی جریانی این دوره از انتخابات نشان می‌دهد رقابت همانند دوره قبل دوقطبی بوده و دو جریان سیاسی عمده کشور یعنی جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی که هر کدام دارای شعبه‌ها و شاخه‌هایی نیز هستند در قالب ارائه فهرست‌ها و ائتلاف‌های سیاسی باهم به رقابت خواهند پرداخت. در این میان، جریان اصلاحات به دو دسته تحریم‌ها و مشارکت‌طلب‌ها تقسیم می‌شوند. اما اصول‌گرایان که با تعدد نسبتاً بالایی از ائتلاف‌ها و فهرست‌ها مواجه

هستند، همچنان با چالش وحدت روبرو هستند و تلاش‌ها در راستای رسیدن به یک فهرست می‌باشد.

۶- بازیگر تعیین‌کننده دیگر در انتخابات، مردم هستند. درباره کیفیت سازمان رأی مردم نیز باید گفت که به‌طور کلی، آرای مردمی را می‌توان به دو دسته آرای سیاسی (ایدئولوژیک) و آرای غیرسیاسی (خاکستری) تقسیم کرد. نکته مهم در این میان آن است که در حالی که پایگاه رأی فعال اصلاح‌طلبی هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک رغبتی به مشارکت در انتخابات ندارد، با تشویق آرای غیرسیاسی می‌توان افت احتمالی میزان مشارکت در انتخابات را جبران کرد. اثربخشی این مهم در گرو جهاد تبیین و جهاد خدمت به مردم است.

مقدمه

کیفیت و نتیجه انتخابات در ایران در یک نگاه اجمالی، برآیند کنش‌گری چهار بازیگر عمده است: نظام اسلامی، دشمنان، مردم (رای‌دهندگان) و جریان‌های سیاسی. در واقع، از مجموع کنش و واکنش این بازیگران چهارگانه و تأثیری که هر یک بر دیگری دارد، بازی انتخابات در ایران شکل گرفته و نتیجه آن رقم می‌خورد. بنابراین، در متن حاضر، به منظور داشتن برآوردی دقیق از وضعیت انتخابات اسفندماه ۱۴۰۲، تلاش می‌شود تا راهبردهای هر کدام از این بازیگران تشریح شود. با این توضیح که درباره مردم (رای‌دهندگان) باید از کیفیت رأی‌دهی یا عوامل مؤثر بر سازمان رأی مردم سخن گفت تا راهبرد.

۱. راهبردهای نظام در انتخابات

منظور از راهبردهای نظام در اینجا، همانا جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی است که در انتخابات درصدد رعایت و تحقق آنهاست. برای انتخابات اسفند امسال، این راهبردها عبارت‌اند از: مشارکت، سلامت، رقابت و امنیت.

۱-۱. مشارکت حداکثری در انتخابات

اگرچه اصل حضور مردمی در انتخابات مهم است، اما این اصل باید به صفت «حداکثری» مزین گردد. به عبارتی، زمانی می‌توان از نتایج و ثمرات

انتخابات بهره برد یا اینکه انتخابات عاملی برای افزایش اقتدار و تقویت وجهه بین‌المللی نظام باشد که با حضور حداکثری و با شور و اشتیاق آحاد مردم توأمان گردد. برخلاف سایر نظام‌هایی که در آنها انتخابات برگزار می‌شود و میزان مشارکت مردمی برای آنها چندان مهم نیست، حضور حداکثری مردم در انتخابات برای جمهوری اسلامی اهمیت اساسی دارد. همین امر حکایت از نقش تعیین‌کننده مردم و جایگاه والای آنها در نزد مسئولان و تصمیم‌گیرندگان نظام اسلامی ایران دارد. به عبارتی، اصرار و تأکید بر حضور حداکثری مردم در انتخابات نشان می‌دهد که نقش آنها واقعی است و حالت صوری و تزئینی ندارد؛ زیرا اگر نقش آنها واقعی نبود، این میزان از اهمیت دادن و تأکید بر حضور مردم در انتخابات ضرورتی نداشت. مقام معظم رهبری در این ارتباط، ضمن تأکید بر مشارکت حداکثری در انتخابات به معنای حقیقی کلمه، تأکید دارند: «هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنان دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند.»^۱

علاوه بر آنچه گفته شد، میان مشارکت مردم در انتخابات با حل مشکلات کشور نسبت مستقیم وجود دارد. به عبارت دقیق‌تر، حتی اگر مردم خواهان

۱. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۱/۱

رفع تحریم‌های ظالمانه و حل تضییقاتی هستند که از این ناحیه متوجه آنها شده است، راه‌حل‌اش این است که مشارکت مردم در انتخابات پرشور، گسترده و قابل‌توجه باشد. برای تأیید صحت این مدعا، می‌توان به آشوب‌های سال گذشته اشاره کرد. سال ۱۴۰۱ با شروع آشوب‌ها با اسم رمز مهسا امینی، آمریکایی‌ها مذاکرات احیای برجام را ترک و اعلام کردند که تصمیمی برای احیای برجام ندارند، اما بعد از حضور حماسی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱، بلافاصله به ایران پیام دادند که آماده از سرگیری مذاکرات احیای برجام هستند؛ مذاکراتی که در نهایت، منجر به آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه شده ایران شد و پیام مثبتی را به فضای اقتصادی کشور ارسال کرد. نتیجه این که، از نقطه‌نظر حل مشکلات کشور، مشارکت مردم در انتخابات بسیار اثرگذار است. ناگفته پیداست که دشمن چون نمی‌خواهد مشکلات مردم ایران حل شود، درصدد است تا با اغواگری و تحریف حقایق مختلف، مردم را از مشارکت در انتخابات باز دارد. در واقع، دشمن درصدد است تا به وسیله‌ی خود مردم (از طریق عدم شرکت آنها در انتخابات) فشارها را بر مردم کشورمان تشدید کند. در همین چارچوب باید اشاره کرد که اگر با افت میزان مشارکت در انتخابات مواجه شویم، فردای انتخابات باید منتظر تشدید فشارهای دشمن و شوک‌های اقتصادی باشیم و در نقطه مقابل، اگر میزان مشارکت مردم در انتخابات بالا باشد، از فردای

بعد از انتخابات باید منتظر تثبیت و تعمیق آرامش نسبی‌ای باشیم که در ماه‌های اخیر بر اقتصاد کشور حکم فرما شده است.

۱-۲. سلامت انتخابات

رعایت سلامت انتخابات در همه مراحل و پرهیز از هر گونه اقدام غیرقانونی، شائبه‌برانگیز و تخلف راهبرد دیگر نظام در انتخابات است. در واقع، نظام اسلامی حساسیت دارد تا انتخابات را براساس مر قانون و به دور از هر گونه اقدام غیرمعارف، در فرایندی شفاف و قانونی برگزار کند. در این زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «برخی انگار به عادت و مرض بدی مبتلا شده‌اند که دائم در نزدیک انتخابات، در کوس نامطمئن بودن نتایج آراء می‌دمند و نعمت بزرگ انتخابات را با این حرف‌ها خراب می‌کنند. البته ممکن است در گوشه و کنار تخلفاتی باشد اما تخلفات سازمان‌یافته که نتایج را تغییر دهد، مطلقاً وجود ندارد... برخی دولت‌ها ۱۸۰درجه با هم تفاوت داشته‌اند اما رفتار همه‌ی آنها در عرصه‌ی انتخابات درست و انتخابات سالم بوده است...»^۲

بنابراین، در زمینه سلامت انتخابات، اولاً تأکید بر رعایت مر قانون و پرهیز از تخلف در همه مراحل انتخابات به‌ویژه عدم‌جانبداری مجریان انتخابات از نامزدی خاص است و ثانیاً بر امانت‌داری از رأی مردم و جلوگیری از

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه، ۱۴/۱۰/۱۳۹۴

هرگونه دست‌کاری در رأی مردم تأکید می‌شود. بر این اساس، هرگونه مهندسی انتخابات که به عنوان برچسبی از سوی دشمنان غالباً در همه انتخابات‌ها تکرار می‌شود، جایی در راهبردهای نظام اسلامی ندارد؛ نظام اسلامی امین رأی و نظر مردم است و برای رأی مردم اثر واقعی در اداره کشور قائل است. بنابراین، نهایت دقت و حساسیت را مصروف می‌دارد تا این مهم خدشه‌دار نشود.

۱-۳. رقابت سالم در انتخابات

راهبرد دیگر نظام در انتخابات، رقابت سالم است؛ یعنی رقابتی که در آن حدود اخلاق اسلامی، خطوط قرمز اعتقادی و سیاسی، لزوم حفظ و ارتقای قدرت و اقتدار ملی لحاظ می‌شود و در عین حال، نظارت شورای نگهبان و صلاحیت اجرایی وزارت کشور از سوی نامزدها و طرفداران آنها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در واقع، رقابت انتخاباتی در نظام اسلامی نمی‌تواند سبب ترویج بد اخلاقی، عبور از خطوط قرمز، ابراز مواضع دشمن‌شادکن و مواردی از این قبیل باشد. در این زمینه، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اگر چنانچه کسی وارد میدان رقابت انتخاباتی و مسابقه‌ی انتخاباتی بشود، اما نخواهد چهارچوب را بشکند، او از قاعده‌ی نظام خارج شده است، از قواعد حرکت انتخاباتی خارج شده؛ این غلط است، این درست نیست. باید همه چیز در چهارچوب نظام باشد. این چهارچوب، قابل تغییر نیست. تأکید

بر خطوط مرزی نظام با مخالفان و دشمنان، در انتخابات لازم است. ممکن است دو نظر مختلف درباره‌ی یک مسئله‌ی اجتماعی یا اقتصادی بین نامزدها وجود داشته باشد؛ هیچ مانعی ندارد، این دو نظر را بگویند؛ لیکن مرزبندی کنند با آن چیزهایی که نظرات مخالف با نظام است. مشخص بکنند که مرز ما چیست؛ این مرزبندی لازم است. بارها ما بر روی این مرزبندی تأکید می‌کنیم؛ این به خاطر این است که اگر مرزبندی‌ها ضعیف بشود، مرزها کمرنگ بشود، موجب اشتباه مردم می‌شود... در انتخابات باید منافع نظام، منافع کشور، مصالح کشور بر مصالح حزبی و جناحی و شخصی و امثال اینها ترجیح داده شود و نظرات، نظرات شفاف و روشنی باشد؛ معلوم باشد که چه می‌خواهند.»^۳

رعایت موازین رقابت سالم از چند جهت حائز اهمیت است؛ اولاً جمهوری اسلامی یک نظام سیاسی با هویت دینی است و بنابراین، در همه حوزه‌ها و کنش‌ها، از جمله انتخابات باید به رعایت اصول اخلاقی توجه داشته باشد. ثانیاً بی‌توجهی به موازین رقابت سالم انتخاباتی سبب هزینه‌تراشی و ایجاد خسارت برای مردم و نظام می‌شود که این موضوع، طیفی از خسارت‌هایی چون رواج تهمت، افترا، کذب و دادن نسبت‌های ناروا به همدیگر تا درگیری فیزیکی و بی‌ثباتی سیاسی و انتخاب غیراصح را می‌تواند

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

دربرداشته باشد. علاوه بر این، بسیار روشن و واضح است که در همه نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، میدان انتخابات و فضای رقابتی ناشی از آن گاه به پاره‌ای از شکاف‌ها و تعارض‌ها در حوزه روابط اجتماعی دامن می‌زند که مهار نکردن آگاهانه و مدبرانه آن، گاه شیرینی برگزاری انتخابات را به تلخی چنددستگی‌ها، کشمکش‌ها و نزاع‌های سیاسی و اجتماعی و گاه حتی درگیری‌های فیزیکی هواداران تبدیل می‌کند. رعایت موازین رقابت سالم از این نظر نیز ضروری است.

۱-۴. امنیت کامل در انتخابات

راهبرد دیگر نظام در انتخابات، امنیت است؛ زیرا بدون وجود امنیت، امکان برگزاری انتخابات و برخورداری از ثمرات آن وجود ندارد. بر این اساس، انتخابات باید در کمال امنیت و آرامش در کشور برگزار شود. امنیت هم موضوعی همگانی است؛ یعنی باید از سوی همه عوامل و دست‌اندرکاران انتخابات مورد توجه باشد و هم در همه ابعاد و مراحل انتخابات باید ساری و جاری باشد؛ یعنی حتی بعد از برگزاری انتخابات نیز باید این مهم مورد توجه قرار گیرد تا با کوچکترین خدشه‌ای مواجه نشود. در توضیح باید گفت که انتخابات، رقابت در درون ظرف نظام و کشور و به منظور ارتقای پیشرفت و قدرت آن است. دستیابی به این نتایج در گام اول مستلزم وجود امنیت است. بنابراین، در جریان انتخابات، باید مراقبت شود تا هیچ مسأله‌ای

امنیت کشور را خدشه‌دار نکند. در واقع، به بهانه انتخابات و رقابت انتخاباتی، نباید امنیت کامل نظام و کشور خدشه‌دار شود. بنابراین، هر گونه ایجاد ناامنی و اقدامی که شائبه ضدامنیتی داشته باشد، در تعارض با راهبردهای نظام در انتخابات است.

۲. راهبردهای دشمنان در انتخابات ایران

راهبردهای دشمن در انتخابات درست در نقطه مقابل هدف‌گذاری و راهبردهای نظام اسلامی در انتخابات است. پرداختن به این راهبردها از آن روی ضرورت دارد که جنگ شناختی دشمنان پیرامون انتخابات در ایران معطوف به عدم تحقق راهبردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی است. اما بر اساس تجاربی که از انتخابات‌های گذشته در جمهوری اسلامی به دست آمده و همچنین مرور مواضع مقامات سیاسی و رسانه‌ای بیگانه، مهمترین راهبردهای دشمنان در انتخابات به شرح زیر است:

۱-۲. عدم برگزاری انتخابات با بی‌ثبات‌سازی کشور

با توجه به نتایج و ثمرات مهم انتخابات برای کشور، مردم و نظام، دشمن اساساً درصدد است تا انتخاباتی در ایران برگزار نشود. در این زمینه، دشمن درصدد است تا از هم اکنون با ایجاد معضل امنیتی، کشور و نظام را به سمتی سوق دهد که نتواند انتخابات را برگزار کند. حملاتی که در هفته‌های گذشته علیه برخی از نیروهای نظامی و امنیتی کشور در برخی از نقاط

کشورمان (همانند حمله تروریستی کرمان) به منصفه ظهور رسید، گویای در دستورکار بودن این راهبرد از سوی دشمن است. نکته مهم در این زمینه آن است که به نظر می‌رسد نقطه تمرکز دشمن در این زمینه، مناطق مرزی، قومیت‌نشین و اهل سنت نشین است؛ تاکتیکی که در آشوب‌های پائیز سال گذشته نیز مورد توجه دشمن قرار گرفته بود.

۲-۲. تضعیف مؤلفه‌های قدرت نظام با برگزاری انتخابات با مشارکت حداقلی با عنایت به شکست همیشگی راهبرد اول دشمن، اما آنها دست از اقدامات تخریبی خود علیه نظام بر نمی‌دارند و راهبردهای دیگری را پی می‌جویند. در واقع، با شکست قطعی راهبرد اول، دشمن در گام بعدی تلاش می‌کند تا انتخابات با مشارکت حداقلی برگزار شود. دشمن در این زمینه تلاش می‌کند تا انگیزه‌های مردم برای حضور در انتخابات را از بین ببرد و آنها را نسبت به شرکت در انتخابات بی‌میل و بی‌تفاوت سازد. ایجاد شائبه در زمینه فرمایشی، مهندسی شده و ناکارآمد بودن انتخابات و همچنین تلاش برای برگزاری انتخابات در فضایی امنیتی را می‌توان بخشی از شگردها و تاکتیک‌های نخنمای دشمن در این زمینه ارزیابی کرد.

در واقع، هدف دشمن از تلاش برای عدم برگزاری شکوهمندانه انتخابات در ایران، تضعیف مؤلفه‌های قدرت نظام، به‌ویژه تهی‌سازی پشتوانه مردمی آن می‌باشد. به عبارتی، دشمن با تلاش برای تضعیف انگیزه مردم برای حضور

در پای صندوق‌های رأی، درصدد است تا در تداوم نقشه شکست خورده خود در آشوب‌های سال گذشته، پیوند میان نظام و مردم را تضعیف کند تا از این طریق بتواند زمینه تداوم توطئه‌های خود در ایران را فراهم کند.

۲-۳. مشروعیت‌زدایی از نظام در دو سطح داخلی و خارجی

دشمن در جنگ شناختی پرشدت خود، به‌طور کلی درصدد است تا با تشدید شکاف دولت - ملت در ایران، جمهوری اسلامی را فاقد پشتوانه مردمی لازم و بنابراین، فاقد حمایت از سوی اکثریت مردم قلمداد کند. در آشوب‌های پائیز سال گذشته، مبتنی بر همین نگاه تلاش شد تا با «اکثریت‌نمایی اقلیت» و «تحریک علایق نسبتاً عمومی» (بحث حجاب و زنان) و مواردی از این دست، به این راهبرد جامه عمل پوشیده شود که با حضور حماسی مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱، این راهبرد ناکام ماند. با این حال، انتخابات بزنگاه مهمی است تا دشمن به صورت مجدد به تحقق این راهبرد خود در قبال نظام جمهوری اسلامی ایران بیندیشد. برای این منظور، همچون گذشته، به شیوه‌های مختلف تلاش خواهد کرد تا مانع از حضور مردم در انتخابات شود تا از این طریق وانمود کند که درصد اندک مشارکت مردم در انتخابات، نشانه کاهش سطح مشروعیت نظام اسلامی است.

البته مشروعیت‌زدایی داخلی از طریق کاهش حضور مردمی در انتخابات، مقدمه‌ای برای مشروعیت‌زدایی بین‌المللی از نظام خواهد بود. در این راستا و بر اساس تجارب گذشته که دشمنان تلاش می‌کردند با ایجاد یک جبهه سیاسی و رسانه‌ای منسجم بین‌المللی در موسم انتخابات به طرح انواع اتهامات درباره سلامت انتخابات و دیگر اتهامات به نظام اسلامی روی بیاورند، ممکن است باز در فرصت‌های مختلف از جمله موعد تبلیغات انتخاباتی به این تاکتیک برگردند. البته توانمندی نظام اسلامی به همراهی مردم غیرتمند و همیشه در صحنه ایران عزیز که توانستند فتنه سال گذشته را خشتی سازند و از سوی دیگر دشمنان امروز در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون جنگ غزه و اوکراین متمرکزند، به نظر می‌رسد فرصت چندان یا به عبارت بهتر، توان زیادی برای مداخله در مسائل انتخاباتی جمهوری اسلامی ندارند. با این حال، باز هم نباید از ترفندهای همیشگی آنها در زیر سؤال بردن سلامت انتخابات و طرح ضرورت نظارت بین‌المللی بر انتخابات ایران که معمولاً با به خدمت گرفتن برخی از چهره‌ها و سلب‌ریتی‌های بازنشسته سیاسی صورت می‌گیرد غفلت کرد.

۲-۴. حمایت از کاندیداهای متمایل به غرب

راهبرد دیگر دشمن در انتخابات، هدف قرار دادن انتخاب اصلح؛ یعنی انتخابی براساس ارزش‌های نظام و در جهت حل‌ورفع مشکلات مردم

است. براین اساس، دشمن در پی آن است تا با حمایت از جریان غربگرا در ایران، جریان انقلابی و استکبارستیز را در حاشیه قرار دهد. بنابراین، هدف دشمن این است که گزینه منتخب، گزینه‌ای غیرانقلابی و دارای ایستارهای متمایل به غرب باشد و به جای توجه به حل مشکلات کشور با تقویت استعدادها و ظرفیت‌های درونی، به دريوزگی دشمن روی آورد. به تعبیر دیگر، دشمن درصدد است که نتیجه انتخابات در ایران به گونه‌ای رقم بخورد و نخبگانی روی کار بیایند که عملاً ایران اسلامی را در زیرمجموعه نظام ظالمانه بین‌المللی که مبتنی بر هژمونی آمریکا و تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، ببینند و تعریف کنند. مسلم است که روی دیگر سکه مخدوش‌سازی انتخاب اصلح توسط دشمن، منزوی ساختن و فراهم کردن زمینه برای عدم اقبال به جریان انقلابی و استکبارستیز است.

۲-۵. بی‌اعتبارسازی سازوکار انتخابات با حمله به نهادهای انقلابی

سازوکار انتخابات ضامن سلامتی و رقابت انتخاباتی اطمینان‌بخش به مردم است. از این‌رو، دشمن در جنگ شناختی می‌کوشد تا این سازوکار و نهادهای متولی آن را تخریب کند تا زمینه‌های ذهنی و روانی لازم را نزد هم‌وطنان برای پذیرش سم‌پاشی‌های روانی خود فراهم کند. در این راستا، مهمترین نهاد انقلابی که در انتخابات مورد هجمه دشمن قرار می‌گیرد،

شورای نگهبان و شیوه عملکرد آن در تأیید یا عدم احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی است. روش دشمن در این زمینه نیز زیر سؤال بردن عملکرد شورای نگهبان با دادن نسبت‌های ناروا، تهمت، دروغ و افترا و اینکه شورای نگهبان عملکرد جناحی دارد و از پیش در صدد مهندسی کردن انتخابات است، می‌باشد. سنگر دیگر مورد تهاجم دشمن، نیروهای مسلح است. دشمن با ایجاد شائبه دخالت نیروهای مسلح در انتخابات، در صدد است تا آنها را از نقش‌آفرینی انقلابی و قانونی در انتخابات باز دارد. صداوسیما نیز نهاد دیگری است که به دلیل نقش خطیری که می‌تواند در خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمن پیرامون انتخابات داشته باشد، طبیعتاً مورد هجوم دشمن است. دشمن با ایجاد شائبه بی‌طرف عمل نکردن صداوسیما در پی آن است تا این نهاد را از نقش آگاهی‌بخشی باز دارد.

در جمع‌بندی این بخش لازم است به این نکته اشاره شود که راهبرد دشمن در قبال سازوکار انتخابات، بی‌اعتبارسازی نهادهای انقلابی از طریق اتهام و برچسب زنی به آنهاست. دشمنان با شبهه‌پراکنی و ابهام‌آفرینی پرشده در قبال این نهادها، در صددند تا با وجود حضور داشتن و امکان داشتن فعالیت آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی به مردم و پرشور کردن جامعه در آستانه انتخابات از سوی این نهادها، کاری کنند که آنها نتوانند وظایف و رسالت‌های انقلابی خویش را در انتخابات انجام دهند. از این رو، باید

بدانیم که نوع نگاه، سیاست‌ها و راهبردهای دشمنان در قبال انتخابات ایران، در ذیل جنگ ترکیبی نظام سلطه در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود. بر این اساس، چنانچه راهبردهای نظام در این انتخابات به طور تام و تمام محقق شود، به معنای شکست جنگ ترکیبی دشمنان است. بنابراین، در این صورت، به احتمال زیاد، شاهد تغییراتی در جنگ ترکیبی دشمن خواهیم بود؛ در قالب کاهش ابعاد و شدت برخی از حوزه‌های این جنگ ترکیبی. در نقطه مقابل، در صورت عدم تحقق راهبردهای نظام در انتخابات و تحقق راهبردهای دشمن، باید منتظر تداوم و بلکه توسعه و تشدید حوزه‌ها و دامنه جنگ ترکیبی دشمنان در فردای بعد از انتخابات در ایران باشیم.

۳. جریان‌های سیاسی و راهبردهای انتخاباتی آنها

جریان‌های سیاسی که برای انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه امسال در حال فعالیت و رقابت هستند، همانند انتخابات سابق، شامل دو جریان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی است که البته هر کدام شعبه‌ها و شاخه‌هایی دارند که در ادامه به معرفی هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱. جریان اصلاحات

اصلاح‌طلبان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اصلاح طلبان تحریمی (رادیکال): اینان که در جبهه اصلاحات ایران مجتمع هستند و تعداد زیادی از آنها سابقه فعالیت در فتنه ۸۸ را دارند، اکثریت‌شان بر تحریم انتخابات تأکید دارند و اقلیتی از آنها بر مشارکت مشروط در انتخابات اصرار دارند. اصلاح طلبان تحریمی در ماه‌های اخیر خانم آذر منصوری را به رهبری جبهه اصلاحات ایران انتخاب کردند که البته صلاحیت آن از سوی وزارت کشور، با توجه به سوابق و دیدگاه‌های وی، مورد تأیید قرار نگرفت. همین امر نشان می‌دهد که اصلاح طلبان تندرو و تحریمی درصدد هستند تا به زعم خود بر موج اعتراضی که سال گذشته در جریان آشوب‌ها و به بهانه مسائل زنان مطرح شد، سوار شوند. نکته مهم درباره این لایه از اصلاح طلبان آن است که اگرچه از تحریم انتخابات صحبت می‌کنند، اما قطعاً فعالیت انتخاباتی خواهند داشت. در واقع، هر چند احتمال کمی وجود دارد که واقعاً انتخابات را تحریم کنند، اما در این صورت نیز فعالیت انتخاباتی خواهند داشت؛ بدین صورت که بر نارضایتی‌ها و پتانسیل‌های اعتراضی در جامعه تأکید خواهند کرد. در این زمینه، به‌ویژه احتمالاً بر بحث‌های مرتبط با زنان تأکید خواهند کرد. با این حال، درباره این اصلاح طلبان، توجه به این نکته ضروری است که اساساً پایگاه اجتماعی آنها در انتخابات مشارکت را مدنظر نخواهد داشت و اگر

هم مشارکت کنند، به صورت حداقلی خواهد بود. بنابراین، در تحلیل چرایی اصرار آنها بر تحریم انتخابات باید به این نکته هم توجه داشت.

ب) اصلاح طلبان مشارکت طلب: اینان بر مشارکت بی قید و شرط در انتخابات تأکید دارند و انتخابات را راه حل مسائل کشور می دانند. مواضع اخیر افرادی همانند آقای مرعشی و روحانی مبنی بر اینکه هر گونه تغییری باید از مسیر صندوق رأی اتفاق بیفتد، گویای صف بندی اینان با اپوزیسیون و آشوب گران است. محوریت اصلاح طلبان مشارکت طلب با دو حزب کارگزاران سازندگی و اعتدال و توسعه است. بعد از رد صلاحیت آقای روحانی برای انتخابات مجلس خبرگان، وی در صدد است تا فعالیت انتخاباتی منسجمی را برای مجلس انجام دهد. به همین دلیل، اخیراً احزابی مانند اعتدال و توسعه، کارگزاران سازندگی، اعتماد ملی، ندای ایرانیان، خانه کارگر و نزدیکان علی لاریجانی جلسه ای را به این منظور تشکیل داده و تصمیم گیری نهایی درباره ارائه لیست های انتخاباتی را به اواخر انتخابات موکول کرده اند. هر چند برخی نزدیکان لاریجانی مانند منصور حقیقت پور، ائتلاف میان لاریجانی و اصلاح طلبان را رد کرده اند. درباره وضعیت اصلاح طلبان در انتخابات مجلس باید گفت که به نظر می رسد که آنها امید چندانی برای موفقیت در انتخابات ندارند. حداکثر انتظار آنها در انتخابات این است که بتوانند یک اقلیت قوی در مجلس تشکیل دهند. یکی از

مهمترین دلایل این امر به احتمال افت جدی میزان مشارکت طرفداران آنها در انتخابات مربوط می‌شود.

۳-۲. اصول گرایان

اصول‌گرایان برای انتخابات مجلس شورای اسلامی با تعدد نسبتاً بالایی از احزاب، ائتلاف‌ها و فهرست‌های دقیقه آخری مواجه هستند. به طور دقیق‌تر باید گفت که نیروها و فعالان سیاسی اصول‌گرا برای انتخابات پیش‌رو، تا کنون چند شعبه و تشکل راه‌اندازی کرده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) شورای وحدت اصول‌گرایان: شورای وحدت متشکل از جامعه روحانیت مبارز تهران، جبهه پیروان خط امام و رهبری و حزب مؤتلفه اسلامی است. منوچهر متکی سخنگوی این تشکل و مصطفی پورمحمدی رئیس آن می‌باشد. از دیگر چهره‌های مطرح در این تشکل، محمدرضا باهنر است.

ب) جمعیت اعتلای نهادهای مردمی انقلاب اسلامی: این تشکل به صورت علنی با محوریت زهره الهیان فعالیت می‌کند، اما در اصل، محوریت آن با برخی شخصیت‌های شاخص جبهه تحول‌خواهان انقلابی مانند علیرضا زاکانی است.

ج) **جبهه پایداری انقلاب اسلامی** که با همان ترکیب و کیفیت سابق برای انتخابات مجلس فعالیت می‌کند و محوریت فعالیت‌های آن با آقایان صادق محصولی و مرتضی آقاهرانی است.

د) **شریان (شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی):** دبیرکل این جبهه ابوالقاسم جراره است اما گفته می‌شود در شریان محوریت با مهرداد بذرپاش است و افرادی مانند حمید رسایی و صالح اسکندری فعال هستند. به طور عمده شریان متشکل از نیروهای جوان‌تر اصول‌گرایی است.

ه) **شانا (شورای ائتلاف نیروهای انقلاب):** این تشکل که برای انتخابات ریاست جمهوری داعیه‌دار وحدت گروه‌ها و شخصیت‌های اصول‌گرا بود، هم‌اکنون با محوریت حداد عادل فعالیت می‌کند. با این حال، با توجه به تعدد تشکل‌های اصول‌گرایی برای انتخابات پیش‌رو در اسفندماه، به نظر می‌رسد که شانا دیگر داعیه‌دار وحدت نیست. سرلیست شانا آقای قالیباف می‌باشد.

در همین زمینه باید از عدالت‌خواهان و برخی افراد و شخصیت‌های شاخص اصول‌گرایی نیز نام برد که فعالیت و کنش علنی یا آشکار چندانی تا کنون برای انتخابات نداشته‌اند. در تحلیل وضعیت اصول‌گرایان باید گفت که این جریان، با احساس این که رقابت درون‌گروهی است هنوز اقدامات جدی برای وحدت و رسیدن به لیست واحد انجام نداده‌اند. به نظر می‌رسد

رقابت میان جریان تازه تاسیس شریان با شانا جدی است هرچند که شورای وحدت هم مقابل شانا قرار داشته و منتقد آن می‌باشد و مواضع شبه انتقادی اخیر آقای باهنر درباره آقای قالیباف نیز نشان می‌دهد که اختلاف میان اصول‌گرایان جدی است.. مطابق با نظرسنجی‌ها، اصول‌گرایان از شانس بالاتری برای کسب کرسی‌های بیشتر در انتخابات برخوردارند؛ زیرا بدنه اجتماعی طرفدار آنها در انتخابات مشارکت بیشتری خواهند داشت. با این حال، نکته مهم درباره انتخابات، با توجه به نتیجه برخی نظرسنجی‌ها، اقبال نسبتاً بالای مردم به کاندیداهای مستقل است.

۴. راهبرد مردم (رای‌دهندگان)

بازیگر تعیین‌کننده دیگر در انتخابات، مردم هستند. درباره کیفیت سازمان رأی مردم نیز باید گفت که به طور کلی، آرای مردمی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۴-۱. **آرای سیاسی (ایدئولوژیک):** این آرا را می‌توان آرای جریان‌های سیاسی دانست؛ یعنی آرای پایگاه اجتماعی جریان‌های سیاسی که به منظور حمایت از این جریان‌ها به صندوق ریخته می‌شود. این آرا را می‌توان مختص شهروندانی دانست که فرهنگ سیاسی مشارکتی یا مشارکتی - تبعی دارند؛ یعنی یا فعال سیاسی و حزبی هستند و یا شهروندانی‌اند که اگرچه ممکن است رسماً عضو احزاب و جریان‌ها نباشند، اما با دسته‌ای از آنها

همبستگی و اشتراک منافع دارند. قابل ذکر است که اصلاح طلبان حدود ۳۶ درصد و اصول‌گرایان حدود ۲۱ درصد پایگاه رأی فعال دارند؛ یعنی مجموع آرای سیاسی در انتخابات، حدود ۵۷ درصد است. از همین جا می‌توان بخشی از احتمال افت مشارکت در انتخابات را توضیح داد؛ بدین ترتیب که بخش زیادی از پایگاه رأی اصلاح‌طلبی به دلایل مختلف، در انتخابات شرکت نخواهد کرد.

۴-۲. آرای غیرسیاسی (خاکستری): این آرا مختص شهروندان عادی است که فرهنگ سیاسی محدود - مشارکتی دارند؛ یعنی آگاهی سیاسی چندانی ندارند و فقط از طریق رأی دادن فرایند سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نوع آرا حدود ۴۰ درصد مجموع آرا می‌باشد و اگرچه از متغیرهای متعددی اثرپذیر است، اما مهمترین متغیر تعیین‌کننده میزان مشارکت این نوع آرا در انتخابات، وضعیت اقتصادی است که با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، احتمال مشارکت بالای این نوع آرا در انتخابات هم ضعیف است.

نکته مهم در این میان آن است که در حالی که پایگاه رأی فعال اصلاح‌طلبی هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک رغبتی به مشارکت در انتخابات ندارد، با تشویق آرای غیرسیاسی می‌توان افت احتمالی میزان مشارکت در انتخابات را جبران کرد. اثربخشی این مهم در

گرو جهاد تبیین و البته اندکی جهاد خدمت و گشایش از سوی مسئولان دولتی به ویژه در بخش‌هایی از امور اقتصادی و معیشتی که مردم درگیر آن هستند میسر است. انشالله